

بررسی راهکارهای توسعه اشتغال
و شیوه‌های کاهش بیکاری
در مناطق روستایی کشور

کد موضوعی: ۲۲۰

شماره مسلسل: ۸۷۴۶

دی ماه ۱۳۸۶

دفتر: مطالعات اقتصادی

به نام خدا

فهرست مطالب

چکیده.....	۱
مقدمه	۱
۱. علل مهاجرت از مناطق روستایی به مناطق شهری.....	۲
۲. علل و عوامل بیکاری و کم‌کاری گسترده در نواحی روستایی.....	۷
۳. تحلیل وضعیت بیکاری در مناطق روستایی ایران	۱۰
۴. رابطه میان بیکاری، فقر و توزیع درآمد در مناطق روستایی	۱۵
۵. راهکارهای ایجاد اشتغال در مناطق روستایی.....	۱۸
نتیجه‌گیری.....	۲۰
منابع و مآخذ.....	۲۲



بررسی راهکارهای توسعه اشتغال و شیوه‌های کاهش بیکاری در مناطق روستایی کشور

چکیده

منابع انسانی، پایه اصلی ثروت و در واقع چگونگی روند توسعه اقتصادی، اجتماعی هر کشور را تعیین می‌کند. از این رو بهره‌برداری صحیح و بهینه از منابع انسانی می‌تواند از اهداف راهبردی توسعه پایدار تلقی شود. می‌توان ریشه مشکلات اشتغال را در مهاجرت روستاییان به شهرهای بزرگ، بیکاری و کم‌کاری در مناطق روستایی و توزیع نامناسب درآمد، نبود امکانات مناسب جهت ایجاد اشتغال در مناطق روستایی دانست. در این تحقیق مشکلات بیکاری در مناطق روستایی و راهکارهای توسعه اشتغال مولد و پایدار در مناطق روستایی بررسی شده است. نتیجه اصلی تحقیق این است که به منظور کاهش بیکاری در مناطق روستایی، اعمال سیاست‌هایی که توسعه موزون شهر و روستا، توزیع عادلانه امکانات تولید، آموزش‌های فنی - حرفه‌ای در جهت ارتقای مهارت همسو با نیاز مناطق روستایی و بهبود زیرساخت‌ها در مناطق روستایی را به همراه داشته باشد ضروری است.

مقدمه

اثر بخشی فعالیت‌ها و سیاست‌های دولت به منظور توسعه بخش روستایی در گذشته با رویکردهای سخت‌افزاری سرمایه، منابع مالی، تجهیزات کشاورزی و... توضیح داده می‌شد.^۱ امروزه نیز بسیاری از محققان اقتصاد توسعه به منظور توسعه بخش روستایی، بر افزایش منابع مالی، بهبود فضای کالبدی، تجهیز نظام کشاورزی به دستگاه‌های مدرن تأکید می‌کنند، همچنین معتقد هستند که پیش‌نیاز اساسی توسعه روستایی، توجه به رویکردهای نرم‌افزاری است.^۲ در واقع رویکردهای نرم‌افزاری، به تعمیق روحیه و انگیزه توسعه‌گرایی و مشارکت جمعی منابع انسانی در مناطق روستایی دلالت می‌کند.

1. Shiefered Andrew (1998), "Sustainable Rural Development", Macmillan Press Ltd, P.P: 16-19.

2. Roseland, M. (2000), "Sustainable Community Development: Intergrading Environmental, Economic & Social Objectives". Progress in Planning, 541 (2000).



منابع انسانی نه تنها به تعداد جمعیت، سطح مهارت، توانمندی و دانش افراد، بلکه به فرهنگ و طرز تفکر افراد درباره کار و علاقه به پیشرفت شخصی در تولید و کسب و کار نیز بستگی دارد. سطح مهارت افراد در تولید با توجه به روابط پیچیده فرهنگ، سنت، مذهب، اخلاق، سواد، امکانات و... متفاوت است. از طرفی به علت محدودیت در فرصت‌های شغلی با وجود مهارت نسبی افراد می‌توان بیکاری و کم‌کاری گسترده‌ای را در کشور به‌ویژه در مناطق روستایی مشاهده کرد. این موضوع یکی از عوامل اساسی سطح نازل زندگی و رفاه در مناطق روستایی است. استفاده ناکافی از نیروی کار در مناطق روستایی کشور به دو شکل بیکاری آشکار و کم‌کاری قابل مشاهده است. با رشد سریع جمعیت در کشورهای در حال توسعه از جمله ایران، انتظار می‌رود که در آینده نیز همچون گذشته و حال نرخ رشد نیروی کار فعال یک روند فزاینده داشته باشد. از این رو، لازم است که فرصت‌های شغلی با نرخ معادل نرخ افزایش نیروی کار ایجاد شود تا بتواند با افزایش عرضه نیروی کار برابری داشته باشد. پدیده مهاجرت از مناطق روستایی به مناطق شهری، افزایش نیروی کار در مناطق شهری و روستایی، بیکاری و کم‌کاری ابقشار ماهر و تحصیل‌کرده مناطق روستایی از جمله مواردی هستند که می‌توانند انگیزه و ضرورت چنین تحقیقات اقتصادی را به وجود آورند.

۱. علل مهاجرت از مناطق روستایی به مناطق شهری

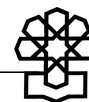
مهاجرت مردم روستانشین به مناطق شهرنشین یکی از مسائلی بود که بعد از جنگ جهانی دوم در کشورهای در حال توسعه از جمله ایران به‌صورت جدی‌تری بروز کرد.^۱ در سال ۱۹۷۸ از مجموع ۱۵۸ کشور در حال توسعه، تعداد ۷۲ کشور توزیع جمعیتی بسیار قابل قبول، ۶ کشور توزیع جمعیتی قابل قبول و ۶۰ کشور از توزیع جمعیت غیرقابل قبول برخوردار بوده‌اند.^۲ اغلب کشورهای که از رشد جمعیت ناراضی هستند، مهاجرت داخلی از روستا به شهر را عامل اصلی رشد در مراکز شهری می‌دانند. براساس آمار ۳۵ الی ۶۰ درصد رشد جمعیت شهری ناشی از مهاجرت روستاییان است.^۳ اینکه دولت تا چه حد می‌تواند سیاست‌های توسعه را در روند توسعه موزون بین شهر و روستا پیش بگیرد تا منجر به مهاجرت روستاییان به شهرها نشود، از موارد مهم و لازم در سیاست‌های دولت است. به‌عنوان نمونه، تا زمانی که سیاست‌های دولت‌ها مبنی بر نوسازی صنعتی، پیشرفت‌های تکنولوژیکی، عدم تعادل در فرصت‌های اقتصادی - جغرافیایی در مراکز

۱. تودارو، مایکل، ترجمه دکتر غلامعلی فرجادی، توسعه اقتصادی در جهان سوم، جلد اول، نشر وزارت برنامه و بودجه، چاپ اول،

۱۳۶۴، تهران، ص ۳۷۴.

۲. تودارو، مایکل، همان، ص ۳۷۵.

۳. همان.



شهری را به همراه دارد، سرعت ورود مهاجران روستایی به مناطق شهری نه تنها کاهش نمی‌یابد بلکه به طور قابل توجهی افزایش نیز خواهد داشت. از نتایج مهم فرایند سریع شهرنشینی رشد تقاضای نیروی کار در شهر و در نتیجه رشد عرضه متقاضیان جویای کار از روستاها به شهرها به دلیل فقدان فرصت شغلی در روستاها است. در بسیاری از کشورهای در حال توسعه، عرضه نیروی کار از تقاضای کار بیش‌تر است. ضمن اینکه نیروی کار مهاجر عمدتاً فاقد مهارت لازم است. در نتیجه نرخ بالای بیکاری و کم‌کاری را در مناطق شهری به همراه می‌آورد. به عنوان مثال در ۴۷ درصد کشورهای در حال توسعه، نرخ بیکاری در مناطق شهری ۳ برابر بیکاری در مناطق روستایی است.^۱ این در حالی است که در کشورهای توسعه یافته، بیکاری شهری بسیار کم‌تر است. همچنین کشورهای توسعه یافته سعی می‌کنند تا نرخ بیکاری شهری را نسبت به نرخ بیکاری روستایی پایین نگه دارند. با وجود این، هنوز در کشورهای در حال توسعه، مهاجرت بسیار زیاد روستاییان به مناطق شهری مشاهده می‌شود. به طوری که اعلام شده است، معمولاً سن این مهاجرین در کشورهای در حال توسعه بین ۱۵ الی ۲۴ سال است.^۲

تا چند سال قبل تصور بر این بود که مهاجرت داخلی فرایندی طبیعی است و کارگران اضافی به منظور فراهم نمودن نیروی کار صنعتی در شهرها به مهاجرت می‌پردازند.^۳ همچنین تصور می‌شد که این امر برای رشد و توسعه بسیار مفید است. اما امروزه در کشورهای در حال توسعه، مهاجرت از روستا به شهر از فرایند ایجاد اشتغال در مناطق شهری بالاتر رفته است و دیگر در ظرفیت صنایع و خدمات شهری، جایی برای مهاجران متقاضی کار نیست. بنابراین اقتصاددانان، مهاجرت را دیگر یک جریان مفید برای رشد اقتصادی نمی‌دانند. بلکه مهاجرت را عاملی می‌دانند که بیکاری شهری را در پی داشته است. البته این امر به نوبه خود از عدم وجود تعادل‌های اقتصادی و ساختاری بین مناطق شهری و روستایی ناشی می‌شود.

بر اساس گزارش آمار جمعیت سال ۱۳۵۶، بین سال‌های ۱۳۴۵ الی ۱۳۵۵ میزان ۲/۰۵ درصد مهاجرت به شهرها از مناطق روستایی در ایران صورت گرفته است. در طی ده‌ساله ذکر شده وزن جمعیت روستایی از ۶۲ درصد به ۵۳/۲ درصد کاهش یافته است. این رقم گویای به هم خوردگی تعادل‌های جمعیتی بین جامعه‌های شهری و روستایی است. ضمن آنکه پایداری ساخت تولید

۱. تودارو، مایکل، ترجمه دکتر غلامعلی فرجادی، توسعه اقتصادی در جهان سوم، جلد اول، نشر وزارت برنامه و بودجه، چاپ اول، ۱۳۶۴، تهران، ص ۳۷۵.

۲. همان، ص ۳۸۱.

۳. این امر منطبق با نظریه مازاد اضافی نیروی کار الگوی توسعه دو بخشی آرتو لویس است که در سال ۱۹۷۹ جایزه نوبل را به دلیل پیش گام بودن در تحقیقات مرتبط با توسعه اقتصادی از آن خود کرد. جهت اطلاع بیش‌تر مراجعه شود به آدرس:

<http://www.econlib.org/LIBRARY/Enc/bios/lewis.html>



معیشتی در جامعه روستایی وضعیت نگران‌کننده‌ای یافته است.^۱ در گزارش مربوط به دوره بعد از انقلاب اسلامی آمده است که در چهار دهه ۱۳۳۵ الی ۱۳۷۵ در مجموع ۱۰ میلیون نفر به جمعیت نقاط روستایی و ۳۱ میلیون نفر به جمعیت شهری افزوده شده است. به بیان دیگر، در این مدت زمانی جمعیت شهری بیش از ۶ برابر و جمعیت روستایی کم‌تر از ۲ برابر شده است.^۲ براساس نتایج سرشماری سال ۱۳۷۵ جمعیت روستایی کشور بالغ بر ۶۸ هزار آبادی تمرکز یافته است. این در حالی است که نزدیک به ۵۸ هزار آبادی در فضای روستایی خالی از سکنه وجود دارد.^۳ براساس برآورد جمعیت سال ۱۳۸۴، از ۶۸۴۶۷۴۱۳ نفر جمعیت کشور ۴۵۶۵۰۲۵۳ نفر (۶۶/۶۷ درصد) در نقاط شهری و ۲۲۸۱۷۱۶۰ نفر (۳۳/۳۳ درصد) در نقاط روستایی سکونت داشته‌اند. بنابراین، می‌توان کاهش ۲/۲۴ درصدی جمعیت در نقاط روستایی و افزایش ۵/۰۱ درصدی جمعیت در نقاط شهری را از سال ۱۳۷۵ الی ۱۳۸۴ مشاهده کرد.^۴

مطالعه عوامل مهاجرت از روستا به شهر و رابطه بین فرصت‌های شغلی و مهاجرت از مناطق روستایی به مناطق شهری در بررسی‌های مربوط به اشتغال در ایران از اهمیت زیادی برخوردار است. نظر به اینکه مهاجرین سهم قابل توجهی را در نیروی کار شهری ایران تشکیل می‌دهند. به عبارت دیگر از آنجا که میزان مهاجرت از روستا به شهر عامل اصلی متقاضیان مشاغل جدید است. از این رو شناخت فرایند مهاجرت حائز اهمیت و پدیده‌ای قابل بررسی است.

۱-۱. فرایند مهاجرت

مهاجرت فرایندی انتخابی است که با خصوصیات اقتصادی، اجتماعی، آموزشی و جمعیتی مشخص، در افراد تأثیر می‌گذارد.^۵ انگیزه‌های مهاجرت ممکن است ناشی از عوامل زیر باشد:

- الف) عوامل اجتماعی: علاقه مهاجرین به گسستن موانع سنتی سازمان‌های اجتماعی،
- ب) عوامل طبیعی: آب و هوا و تحولات ناگوار مانند سیل و خشکسالی،
- ج) عوامل جمعیتی: کاهش نرخ مرگ و میر و نرخ بالای رشد جمعیت در مناطق روستایی،
- د) عوامل فرهنگی: جاذبه‌های شهرنشینی، سینما، تئاتر، امکانات ورزشی،

۱. خالدی، کوهسار، بررسی اقتصاد فقر روستایی و عوامل مؤثر بر آن، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، استاد راهنما، دکتر چیرزی، دانشگاه تهران، ۱۳۷۹، ص ۸۳

۲. همان، ص ۸۴

۳. همان.

۴. قابل ذکر است که در زمان تهیه این گزارش آمار مربوط به سرشماری سال ۱۳۸۵ مرکز آمار ایران هنوز قابل استخراج نبوده است. بدین منظور برای آمار مربوط به سال ۱۳۷۵ از آمارنامه نفوس و مسکن کشور مرکز آمار ایران سال ۱۳۷۵ و برای آمارهای برآوردی سال ۱۳۸۴ از نرم‌افزار آماری مرکز آمار ایران سال ۱۳۸۴ استفاده شده است.

۵. تودارو، مایکل، پیشین، ص ۳۹۰



- ه) عوامل ارتباطی: بهبود سیستم حمل و نقل، وسایل ارتباط جمعی، نظم، تعلیم و تربیت، و) تفاوت‌های مورد انتظار بین مزدهای واقعی در شهر و روستا.
- می‌توان خصوصیات اصلی مهاجرین از روستا به شهر را به سه دسته کلی تقسیم کرد:
۱. خصوصیات جمعیتی: مهاجران مناطق روستایی به شهری معمولاً مردان و زنان بین سنین ۱۵ الی ۲۴ سال را تشکیل می‌دهند.
 ۲. خصوصیات آموزشی: به نظر می‌رسد رابطه مستقیمی بین سطح بالای تحصیل در مناطق روستایی با مهاجرت وجود داشته باشد. به عبارت دیگر، احتمال مهاجرت کسانی که تحصیلات بالاتری دارند بیشتر است.
 ۳. خصوصیات اقتصادی: سهم قابل توجهی از مهاجرین روستا به شهر را معمولاً افراد بی‌زمین، غیر ماهر و فقرا تشکیل می‌دهند. با این حال، در اکثر مناطق شهری کشورهای کم‌تر توسعه یافته، میزان دارایی مالی مهاجرین مناطق روستایی اهمیت دارد. زیرا افرادی که منابع مالی بیشتری دارند، می‌توانند مدت بیشتری را در شهر زندگی کرده و به جستجوی شغل بپردازند.

۲-۱. سیاست‌های کاهش مهاجرت از مناطق روستایی به مناطق شهری

الف) تعدیل درآمدها: مهاجران نسبت به تفاوت درآمدهای مورد انتظار بین شهر و روستا واکنش نشان می‌دهند. بنابراین ضروری است، عدم تعادل بین مزدها و فرصت‌های اقتصادی و اشتغال بین شهر و روستا به حداقل ممکن کاهش پیدا کند. اگر سرعت نرخ رشد مزد در شهر بیش‌تر از سرعت رشد متوسط درآمد (مزد) در روستا باشد، علی‌رغم سطح افزایش یابنده بیکاری در شهر، نرخ مهاجرت از روستا به شهر بیش‌تر خواهد شد. مهاجرت مردم از مناطق روستایی منجر به ایجاد مشکلات اجتماعی - اقتصادی در شهر و همچنین کمبود نیروی کار لازم در مناطق روستایی به‌ویژه در فصول کار خواهد شد. از این رو، هرگونه تلاش در جهت تعدیل درآمدهای مورد انتظار بین شهر و روستا احتمالاً منجر به کاهش نرخ مهاجرت می‌شود.

ب) فرصت‌های شغلی: ایجاد فرصت‌های شغلی بیش‌تر در بخش شهری، بدون توجه به اشتغال در مناطق روستایی می‌تواند موجب سطح بالاتر بیکاری در شهر و روستا شود. زیرا، تفاوت مثبت بین مزد شهری و روستایی، منجر به افزایش میزان مهاجرت روستاییان خواهد شد. بنابراین سیاستی که برای کاهش بیکاری شهری برنامه‌ریزی می‌شود، نه تنها ممکن است به سطح بالاتر بیکاری در شهر منجر شود؛ بلکه می‌تواند سطح پایین‌تر تولید و اشتغال کشاورزی در روستا را نیز به همراه داشته باشد.



ج) سطح تحصیلات: مهاجرت زیاد روستاییان به مناطق شهری با نرخ‌های بالاتر از فرصت‌های جدید اشتغال، طرح جیره‌بندی^۱ را در زمان استخدام به‌وجود آورده است.^۲ کارفرمایان معمولاً تمایل دارند برای استخدام نیروی کار جدید، مدرک تحصیلی و تعداد سال‌های سابقه‌کاری را به‌عنوان معیار جیره‌بندی به‌کار ببرند. کارفرمایان هنگام استخدام در سطح معین مزد، افرادی را که تحصیلات بیش‌تری دارند به کسانی که تحصیلات کم‌تر دارند ترجیح می‌دهند. این در حالی است که ممکن است تحصیلات بیش‌تر به ارائه کار بهتر کمک نکند. استخدام مشاغلی که سال‌ها قبل با مدارک سیکل و دیپلم انجام می‌گرفت (مانند نامه‌رسان، نگهبان، بایگان و تولیدار بانک)، امروزه با مدارک تحصیلی کاردانی و کارشناسی انجام می‌پذیرد. حال اگر برای یک فرد تحصیل‌کرده در روستا تفاوت درآمد مورد انتظار در شهر نسبت به روستا بالاتر باشد به شهر مهاجرت خواهد کرد. از طرفی با گذشت هر سال، به تعداد تحصیل‌کردگان روستایی که به بیکاران شهری افزوده می‌شوند اضافه خواهد شد. از این‌رو سرمایه‌گذاری بیش از حد دولت در آموزش بعد از دوران ابتدایی در مناطق روستایی، بدون ایجاد همزمان فرصت‌های شغلی در این مناطق ممکن است منجر به اتلاف سرمایه‌گذاری برای منابع انسانی شود.

د) حمایت دولت: اعمال سیاست‌هایی نظیر کمک‌های مالی ثابت دولت به کارفرمایان به ازای هر کارگری که استخدام می‌کنند موقتاً فرصت‌های جدید شغلی را فراهم آورد. اما نباید از این نکته غافل شد که از بین بردن انحراف موجود در مزدها از طریق تعدیل قیمت‌ها و یا کمک‌های مالی دولتی که روشی برای تشویق تولید است، می‌تواند انگیزه مهاجرت را تشدید کرده و در نهایت به سطح بالای بیکاری منجر شود. هنگامی که بخش‌های روستایی و شهری با هم در نظر گرفته می‌شوند، اثر رفاهی کل ناشی از سیاست کمک مالی دولت به نسبت پرداخت مزد مشخص نیست و تا حد بالایی به سطح بیکاری در شهر، میزان اختلاف درآمد مورد انتظار بین شهر و روستا و میزان مهاجرت ناشی از مشاغل بیش‌تر شهری بستگی دارد.

ه) سرمایه‌گذاری زیربنایی: با توجه به مشکلات سیاسی کاهش مزدهای شهری، ضرورت گسترش مداوم فرصت‌های شغلی شهری از طریق سرمایه‌گذاری در صنایع کوچک و متوسط کاربر و رشد اجتناب‌ناپذیر بخش صنعت و خدمات شهری از یک طرف و توسعه زیربنایی اقتصاد در روستا از طرف دیگر احساس می‌شود. می‌توان از طریق برنامه‌های سازنده توسعه یکپارچه روستایی، انگیزه‌های اقتصادی برای مهاجرت از مناطق روستایی به شهری را کاهش داد. این برنامه باید بر

1. Rationing Device

۲. بابوکانی، علی، ریشه‌های اقتصادی و اجتماعی فقر در مناطق روستایی، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، استاد راهنما: دکتر ازکیا، دانشگاه علامه، ۱۳۷۴، ص ۷۲.



ایجاد درآمد کشاورزی و غیر کشاورزی، رشد اشتغال، تأمین بهداشت و بهبود آموزش‌های فنی و حرفه‌ای و خدمات تفریحی، توسعه زیرساخت‌ها از جمله برق، آب، گاز، جاده تأکید کنند. به نظر می‌رسد که این راه‌حلی بلندمدت برای کاهش مهاجرت بیش از حد روستاییان به مناطق شهری است.

۲. علل و عوامل بیکاری و کم‌کاری گسترده در نواحی روستایی

بیکاری و کم‌کاری قابل توجه در مناطق روستایی، یکی از برجسته‌ترین علائم در این مناطق است. امروزه در طیف وسیعی از کشورهای در حال توسعه از جمله ایران، درصد بالایی از نیروی کار روستایی، کم‌کار هستند. افراد در مناطق روستایی، منابع مکمل و فرصت‌های متعدد در اختیار ندارند تا بتوانند متوسط درآمد پایین خود را به سطوح درآمد کارگران صنعتی، خدماتی و تجاری شهری افزایش دهند. از این رو، موضوع اشتغال دائمی در مناطق روستایی برای مقابله با بیکاری فصلی در جایگاه مهمی قرار گرفته است. در سال‌های اخیر، ابعاد مسئله بیکاری از کمبود فرصت‌های اشتغال یا بهره‌برداری و بهره‌وری پایین کسانی که ساعات طولانی کار می‌کنند فراتر رفته است و شامل تباین فزاینده بین توقعات بسیار بالای شغلی به‌ویژه در میان جوانان تحصیل‌کرده و مشاغل موجود در مناطق روستایی شده است. به‌خصوص بیزاری فزاینده از کارهای دستی و کشاورزی سنتی در مناطق روستایی، مانعی اساسی را بر سر راه توسعه این مناطق به‌وجود آورده است. بنابراین، اتخاذ سیاستی موزون برای مناطق روستایی همراه با مناطق شهری ضروری است. براین اساس باید سیاست‌های مربوط به مناطق روستایی را مجدداً تنظیم کرد و ایجاد اشتغال را هدف اصلی اقتصادی و اجتماعی آن قرار داد.

یکی از موارد مهمی که در جهت توسعه مناطق روستایی و کمک در راستای ایجاد فرصت‌های شغلی در مناطق روستایی می‌تواند مؤثر واقع شود، شناخت مناطق روستایی است. از این رو می‌توان مناطق روستایی کشور را به چهار دسته روستاهای اطراف شهرهای بزرگ، روستاهای اطراف شهرهای میانی و کوچک، روستاهای مرزی و روستاهای پراکنده به‌شرح زیر تقسیم‌بندی کرد:^۱

۲-۱. روستاهای اطراف شهرهای بزرگ

این روستاها با توجه به مشکلات اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی موجود دارای کارکردهای متعددی هستند. کارکردهای خوابگاهی، گردشگری و فراغتی، تولید محصولات غذایی مانند لبنیات،

۱. رکن الدین افتخاری، عبدالرضا، چشم‌انداز توسعه روستایی در ایران، مبانی اندیشه‌ای، الزامات و پیش‌نیازها، فصلنامه اقتصاد و جامعه، شماره ۱۰، زمستان ۱۳۸۵، صص ۱۲۹-۱۳۰.



فراورده‌های دامی و سبزیجات از جمله مواردی هستند که می‌توانند فرصت‌های شغلی مناسبی را فراهم آورند. این نوع روستاها دارای ساختار اقتصادی متنوع و جمعیت در حال رشد هستند.

۲-۲. روستاهای اطراف شهرهای میانی و کوچک

این روستاها اغلب به تولیدات کشاورزی می‌پردازند و در کنار آن، نقش گردشگری و درآمد مهاجران روستایی در شهر را به لحاظ استمرار فعالیت‌های تولیدی کشاورزی به‌وسیله مهاجران به‌عهده دارند. این نواحی روستایی شدیداً وابسته به اشتغال در بخش کشاورزی هستند.

۲-۳. روستاهای مرزی

این روستاها در طول تاریخ همواره نقش دفاعی، اقتصادی، بازرگانی، تعامل فرهنگی و در صورت امکان قاچاق کالا را به‌عهده دارند. این نوع روستاها را می‌توان به روستاهای حاشیه رودخانه، حاشیه دریا و خشکی طبقه‌بندی کرد. از این رو با توجه به ساختار این نوع مناطق روستایی، می‌توان فرصت‌های شغلی از قبیل تولید آبیان، دامداری، زراعت و مبادلات مرزی را فراهم کرد. همچنین با ایجاد مناطق آزاد، مناطق ویژه اقتصادی و بازارچه‌های مرزی در بعضی از روستاهای مرزی می‌توان فرصت‌های شغلی حاصل از مبادلات بین‌المللی را در آن مناطق مهیا کرد.

۲-۴. روستاهای پراکنده

این قبیل روستاها بیش‌تر در نواحی مرکزی ایران مشاهده می‌شوند. این روستاها از جمعیت پراکنده و کم، حمل و نقل نامناسب و زمان‌بر، برخوردار هستند و در اصطلاح به روستاهای دور دست معروف هستند. فعالیت‌های شغلی در این روستاها در حالت یک اقتصاد در حداقل معیشت است.

برای درک بهتر وضعیت اشتغال در مناطق روستایی، لازم است به آن عده از کارگرانی که ممکن است ظاهراً فعال باشند، ولی در مفهوم اقتصادی بهره‌وری کمی دارند توجه کرد. به عبارت دیگر، علاوه بر تعداد افرادی که بیکاری آشکار دارند، بسیاری از آن‌ها ممکن است حداقل درآمد را از طریق نظام خانوادگی دریافت کنند. بنابراین، لازم است در این خصوص به ابعاد زمان، توانایی کار و بهره‌وری توجه شود:

(الف) زمان: بسیاری از شاغلان مایل هستند ساعات بیش‌تری در روز، هفته یا سال را کار کنند.

(ب) توانایی کار: ملاحظات مربوط به سلامتی و تغذیه را به‌همراه دارد.

(ج) بهره‌وری: فقدان آن را اغلب می‌توان ناشی از ناکافی بودن تجهیزات و منابع مکمل دانست

که با آن کار می‌کنند.



از این رو بر اساس آنچه بیان شد می‌توان کم‌کاری و بهره‌برداری کم از نیروی کار را در پنج حالت از هم متمایز کرد:

۱. **بیکاری آشکار:** شامل بیکاری ارادی و غیر ارادی است. در بیکاری ارادی، افراد از پذیرفتن برخی مشاغل که شایستگی خود را با شغل، منطبق نمی‌دانند، امتناع می‌کنند. این عده ممکن است از منابع تأمین مالی غیر از اشتغال برخوردار باشند.

۲. **کم‌کاری:** کسانی که از آنچه مایلند کم‌تر کار می‌کنند (روزانه، هفتگی یا فصلی).

۳. **ظاهراً فعال ولی با بهره‌برداری کم:** کسانی که معمولاً در زمره بیکاران و کم‌کاران قرار نمی‌گیرند، ولی در واقع کارشان حاصلی ندارد. این حالت به سه دسته زیر تقسیم می‌شود:

الف) کم‌کاری پنهان: بسیاری از مردم روستا به‌ظاهر در مزارع به‌صورت تمام وقت کار می‌کنند ولی حاصل کار نیازمند وقت بسیار کم‌تری است. اگر مقدار کار موجود، آشکارا بین شاغلین تقسیم شود، کم‌کاری پنهان از بین می‌رود و کم‌کاری به‌صورت آشکارا مشاهده خواهد شد.

ب) بیکاری پنهان: کسانی که سرگرم فعالیت‌های غیر شغلی^۱ هستند. برای مثال، انجام کارهای روزمره آموزشی و خانگی به‌دلیل نبود فرصت‌های شغلی. این امر در مورد افرادی که تحصیلات بالا دارند و در مورد زنان به‌دلیل آداب و رسوم اجتماعی صادق است. بسیاری از کسانی که از تحصیلات بالایی برخوردار هستند ممکن است کارایی کمی داشته باشند. زیرا برای احراز مشاغل مناسب کم‌تر می‌توانند رقابت کنند.

ج) بازنشستگی زودهنگام: در بسیاری از کشورها سن بازنشستگی هم‌زمان با افزایش طول عمر در حال کاهش است. این امر وسیله‌ای است برای ایجاد امکان اشتغال بیشتر برای افراد جوان‌تر.

۴. **بیماران:** کسانی که ممکن است تمام وقت کار کنند، ولی توانایی کارشان بر اثر بیماری مزمن یا ضعف ناشی از سوء تغذیه تحلیل می‌رود.

۵. **غیر مولدان:** کسانی که می‌توانند نیروی انسانی لازم را برای کار تولیدی تشکیل دهند، ولی به‌دلایلی درگیر فعالیت‌های کاذب و تصنعی برای ساختن عوامل تولید خود و حتی ضروریات زندگی خود هستند.



۳. تحلیل وضعیت بیکاری در مناطق روستایی ایران

در سال ۱۳۷۵، جمعیت فعال مناطق روستایی یعنی افراد شاغل و افراد بیکار (جویای کار) در مجموع، ۲۷/۶۴ درصد از جمعیت ده‌ساله و بیشتر در این مناطق را تشکیل می‌داده‌اند. از مجموع جمعیت فعال مناطق روستایی کشور، ۸۵/۸۲ درصد را مردان و ۱۴/۱۸ درصد را زنان تشکیل می‌داده‌اند. بیش‌ترین میزان فعالیت، مربوط به گروه سنی ۳۰-۳۴ ساله با ۵۳/۵۶ درصد و کم‌ترین میزان مربوط به گروه سنی ۱۰-۱۴ ساله با ۷/۳۶ درصد بوده است. بالاترین میزان فعالیت برای مردان مربوط به گروه سنی ۳۵-۳۹ ساله با ۹۶/۳۲ درصد و برای زنان مربوط به گروه سنی ۲۰-۲۴ ساله با ۱۶/۲۱ درصد بوده است.^۱

در این سال، از مجموع جمعیت شاغل ۱۰ ساله و بیشتر مناطق روستایی کشور، ۴۵ درصد را کارگران ماهر کشاورزی، جنگلداری و ماهیگیری، ۱۶/۲۸ درصد را صنعت‌گران و کارکنان مشاغل مربوط و ۲/۹۵ درصد را متخصصان تشکیل می‌داده‌اند.^۲

همچنین از شاغلان ۱۰ ساله و بیشتر مناطق روستایی کشور، ۴۹/۷۵ درصد در گروه‌های عمده کشاورزی، شکار، جنگلداری و ماهیگیری، ۴/۶۲ درصد در گروه عمده خرده‌فروشی و عمده‌فروشی، تعمیر وسایل نقلیه موتوری، موتورسیکلت و کالاهای شخصی و خانگی، ۱۵/۱۲ درصد در گروه عمده صنعت (ساخت) و ۳۰/۵۱ درصد نیز در سایر گروه‌های عمده فعالیت‌های اقتصادی اشتغال به‌کار داشته‌اند. توزیع نسبی شاغلان ۱۰ ساله و بیشتر برحسب گروه‌های عمده فعالیت نشان می‌دهد که در نقاط روستایی، گروه عمده کشاورزی، شکار و جنگلداری بیش‌ترین تعداد افراد شاغل را به‌خود اختصاص داده است.^۳

براساس اطلاعات آماری جمعیت در سال ۱۳۷۵، از جمعیت شاغل ۱۰ سال و بیش‌تر نقاط روستایی کشور، ۸۰/۹۵ درصد را کارفرمایان، کارکنان مستقل، مزد و حقوق‌بگیران بخش خصوصی و کارکنان فامیلی بدون مزد و ۱۵/۸۵ درصد را مزدبگیران بخش عمومی تشکیل می‌داده‌اند و ۳/۱۹ درصد نیز در بخش تعاونی بوده یا وضع شغلی خود را اظهار نکرده‌اند.^۴

توزیع نسبی جمعیت فعال ۱۰ ساله و بیش‌تر از نظر اقتصادی در نقاط روستایی در جدول ۱

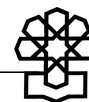
نشان داده شده است:

۱. مرکز آمار ایران، سالنامه آماری نفوس و مسکن ۱۳۷۵، ص ۳۰.

۲. همان، ص ۳۱.

۳. همان، ص ۳۴.

۴. همان.



جدول ۱. توزیع نسبی جمعیت فعال ۱۰ ساله و بیشتر در مناطق روستایی (درصد)

جمع کل ۱۰ ساله و بیشتر	جمعیت غیرفعال از نظر اقتصادی	جمعیت فعال از نظر اقتصادی											شرح سال	
		بیکار (قبلاً غیر شاغل)			بیکار (قبلاً شاغل)			شاغل			جمع			
		کل	زن	مرد	کل	زن	مرد	کل	زن	مرد	کل	زن		
۱۰۰	۶۰/۹	۲/۳	۱/۵	۳/۲	۲/۹	۰/۲	۵/۷	۳۳/۸	۱۲/۷	۵۵/۱	۳۹/۱	۱۴/۴	۶۴/۰	۱۳۸۰
۱۰۰	۶۱/۲	۱/۹	۱/۴	۲/۳	۲/۳	۰/۲	۴/۴	۳۴/۵	۱۰/۴	۵۸/۲	۳۸/۸	۱۲/۰	۶۵/۰	۱۳۸۱
۱۰۰	۵۹/۶	۱/۸	۱/۴	۲/۳	۲/۲	۰/۱	۴/۲	۳۶/۳	۱۲/۶	۵۹/۵	۴۰/۴	۱۴/۱	۶۵/۹	۱۳۸۲
۱۰۰	۵۸/۴	۱/۲	۰/۹	۱/۵	۱/۶	۰/۱	۳/۱	۳۸/۸	۱۳/۹	۶۳/۶	۴۱/۶	۱۴/۹	۶۸/۳	۱۳۸۳
۱۰۰	۵۵/۲	۱/۲	۱/۱	۱/۲	۲/۰	۰/۳	۳/۸	۴۱/۶	۲۱/۲	۶۲/۱	۴۴/۸	۲۲/۷	۶۷/۱	۱۳۸۴
۱۰۰	۵۶/۱	۱/۰	۰/۹	۱/۲	۲/۱	۰/۳	۳/۹	۴۰/۷	۲۰/۶	۶۱/۱	۴۳/۹	۲۱/۸	۶۶/۲	۱۳۸۵

مأخذ: مرکز آمار ایران سالنامه آماری طی سالهای مرتبط.

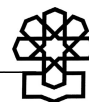
بر اساس آمار نمونه‌گیری مرکز آمار ایران در جدول بالا، نسبت جمعیت فعال اقتصادی از کل جمعیت فعال ۱۰ ساله و بیشتر در مناطق روستایی از ۳۹/۱ درصد در سال ۱۳۸۰ به ۴۳/۹ درصد در سال ۱۳۸۵ رسیده است. همچنین جمعیت شاغل فعال اقتصادی در میان مردان روستایی از ۵۵/۱ درصد در سال ۱۳۸۰ به ۶۱/۱ درصد در سال ۱۳۸۵ افزایش داشته است. همان‌گونه که ملاحظه می‌شود اشتغال زنان طی سال‌های ۱۳۸۰ الی ۱۳۸۵ از افزایش چشم‌گیری برخوردار بوده است، به طوری که از ۱۲/۷ درصد در سال ۱۳۸۰ به ۲۰/۶ درصد در سال ۱۳۸۵ بالغ شده است. جمعیت بیکار در مناطق روستایی طی سال‌های ۱۳۸۰ الی ۱۳۸۵ از ۵/۲ درصد به ۳/۱ درصد کاهش یافته است که این امر را می‌توان عمدتاً ناشی از افزایش فرصت‌های شغلی زنان روستایی دانست. در این خصوص توزیع جمعیت شاغل بین بخش‌های عمده اقتصادی طی سال‌های ۱۳۸۰ الی ۱۳۸۵ در جدول ۲ آورده شده است.



جدول ۲. شاخص‌های عمده نیروی کار در جمعیت ۱۰ ساله و بیشتر بر حسب جنس در نقاط روستایی (درصد)

سهم اشتغال در بخش‌های عمده فعالیت اقتصادی									سهم اشتغال ناقص			نرخ بیکاری ۱۵-۲۴ ساله			نرخ بیکاری			نرخ مشارکت اقتصادی			شرح
خدمات			صنعت			کشاورزی															
کل	زن	مرد	کل	زن	مرد	کل	زن	مرد	کل	زن	مرد	کل	زن	مرد	کل	زن	مرد	کل	زن	مرد	سال
۲۱/۳	۸/۰	۲۴/۴	۲۶/۰	۳۹/۶	۲۲/۹	۵۲/۷	۵۲/۴	۵۲/۸	—	—	—	۲۹/۸	۲۴/۷	۳۱/۴	۱۳/۵	۱۱/۸	۱۳/۹	۳۹/۱	۱۴/۴	۶۴/۰	۱۳۸۰
۲۵/۳	۹/۵	۲۸/۱	۲۵/۸	۳۹/۵	۲۳/۴	۴۸/۹	۵۱/۰	۴۸/۵	—	—	—	۲۲/۷	۲۷/۱	۲۱/۷	۱۰/۹	۱۳/۴	۱۰/۴	۳۸/۸	۱۲/۰	۶۵/۰	۱۳۸۱
۲۵/۴	۹/۵	۲۸/۶	۲۴/۸	۳۱/۱	۲۳/۶	۴۹/۸	۵۹/۳	۴۷/۸	—	—	—	۲۱/۵	۲۳/۴	۲۱/۰	۱۰/۰	۱۱/۰	۹/۸	۴۰/۴	۱۴/۱	۶۵/۹	۱۳۸۲
۲۴/۲	۹/۰	۲۷/۵	۲۴/۷	۳۰/۰	۲۳/۶	۵۱/۱	۶۱/۰	۴۸/۹	—	—	—	۱۴/۴	۱۶/۰	۱۴/۱	۶/۸	۶/۶	۶/۸	۴۱/۶	۱۴/۹	۶۸/۳	۱۳۸۳
۱۸/۴	۸/۰	۲۲/۰	۲۴/۳	۲۸/۰	۲۳/۱	۵۷/۲	۶۴/۰	۵۴/۹	۹/۸	۴/۲	۱۱/۸	۱۲/۶	۱۲/۲	۱۴/۰	۷/۲	۶/۳	۷/۵	۴۴/۸	۲۲/۷	۶۷/۱	۱۳۸۴
۱۸/۹	۸/۳	۲۲/۶	۲۶/۶	۳۱/۵	۲۴/۹	۵۴/۵	۶۰/۳	۵۲/۵	۹/۴	۴/۱	۱۱/۳	۱۴/۰	۱۱/۰	۱۵/۰	۷/۱	۵/۴	۷/۷	۴۳/۹	۲۱/۸	۶۶/۲	۱۳۸۵

مأخذ: مرکز آمار ایران سالنامه آماری طی سال‌های مرتبط.



ارقام جدول ۲ حاکی از این امر است که طی سال‌های ۱۳۸۰ الی ۱۳۸۵، سهم اشتغال در بخش خدمات مناطق روستایی از ۲۱/۳ درصد در سال ۱۳۸۰ به ۱۸/۹ درصد در سال ۱۳۸۵ کاهش یافته است. همچنین سهم اشتغال در بخش صنعت طی این دوره از ۲۶ درصد به ۲۶/۶ درصد افزایش پیدا کرده است. این در حالی است که سهم اشتغال در بخش کشاورزی از ۵۲/۷ درصد در سال ۱۳۸۰ به ۵۴/۵ درصد در سال ۱۳۸۵ افزایش داشته است. این امر را می‌توان ناشی از فقدان سرمایه لازم در بخش کشاورزی مناطق روستایی و نیز عدم استفاده از شیوه‌های نوین بهره‌برداری در این مناطق دانست که مبین بازده ناکافی سرمایه در بخش کشاورزی نسبت به سایر بخش‌ها است.^۱ سهم اشتغال ناقص در میان مردان مناطق روستایی در سال ۱۳۸۵ با ۱۱/۳ درصد، بالاتر از سهم اشتغال ناقص زنان روستایی با ۴/۱ درصد قرار گرفته است. همچنین نرخ بیکاری زنان و مردان روستایی از ۱۳/۵ درصد در سال ۱۳۸۰ به ۷/۱ درصد در سال ۱۳۸۵ بالغ شده است. از این‌رو می‌توان کاهش نرخ بیکاری مردان و زنان مناطق روستایی را به ترتیب از ۱۳/۹ درصد و ۱۱/۸ درصد در سال ۱۳۸۰، به ۷/۷ درصد (مردان) و ۵/۴ درصد (زنان) در سال ۱۳۸۵ مشاهده کرد.

از سوی دیگر مطابق با آخرین اطلاعات سرشماری عمومی نفوس و مسکن در سال ۱۳۸۵، جمعیت فعال ۱۰ساله و بیشتر مناطق روستایی کشور را به تفکیک استان‌ها را می‌توان در جدول ۳ مشاهده کرد.

جدول ۳. جمعیت فعال ۱۰ساله و بیشتر مناطق روستایی کشور به تفکیک استان (درصد)

جمع	اظهارنشده	جمع جمعیت غیرفعال	جمعیت فعال			نام استان‌ها
			جمع	بیکار	شاغل	
۱۰۰	۰/۷۶	۴۷/۰۰	۵۲/۲۲	۲/۷۲	۴۹/۵۰	یزد
۱۰۰	۰/۶۶	۵۰/۶۷	۴۸/۶۵	۸/۸۵	۳۹/۸۰	خراسان جنوبی
۱۰۰	۱/۲۰	۵۱/۷۷	۴۷/۰۲	۳/۳۴	۴۳/۶۷	آذربایجان شرقی
۱۰۰	۱/۱۹	۵۳/۶۶	۴۵/۱۳	۳/۰۹	۴۲/۰۴	خراسان شمالی
۱۰۰	۰/۷۰	۵۴/۷۰	۴۴/۵۹	۳/۸۸	۴۰/۷۱	خراسان رضوی
۱۰۰	۰/۵۲	۵۵/۵۴	۴۳/۹۳	۴/۱۸	۳۹/۷۴	اصفهان
۱۰۰	۰/۴۰	۵۶/۳۳	۴۳/۲۶	۵/۰۸	۳۸/۱۷	گلستان
۱۰۰	۰/۷۵	۵۶/۲۹	۴۲/۹۵	۱۳/۷۷	۲۹/۱۸	لرستان
۱۰۰	۰/۸۱	۵۶/۳۰	۴۲/۸۸	۲/۵۶	۴۰/۳۲	زنجان
۱۰۰	۰/۴۱	۵۶/۷۹	۴۲/۷۸	۴/۰۹	۳۸/۶۹	اردبیل
۱۰۰	۰/۵۸	۵۶/۶۶	۴۲/۷۵	۷/۹۱	۳۴/۸۳	کردستان

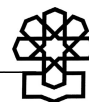
۱. کریمی، علیرضا، بررسی تأثیر سرمایه‌گذاری دولت در تولید کشاورزی و نقش آن در کاهش فقر روستایی در ایران، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، استاد راهنما: دکتر مجید صامتی، دانشگاه اصفهان، ۱۳۸۲، ص ۶۳.



جمع	اظهار نشده	جمع جمعیت غیرفعال	جمعیت فعال			نام استان‌ها
			جمع	بیکار	شاغل	
۱۰۰	۱/۲۰	۵۶/۳۰	۴۲/۴۹	۳/۸۴	۳۸/۶۴	آذربایجان غربی
۱۰۰	۰/۵۹	۵۷/۴۳	۴۱/۹۶	۶/۵۱	۳۵/۴۴	گیلان
۱۰۰	۱/۵۲	۵۶/۸۷	۴۱/۵۹	۳/۶۶	۳۷/۹۳	بوشهر
۱۰۰	۰/۶۷	۵۷/۹۶	۴۱/۳۵	۴/۵۵	۳۶/۷۹	مازندران
۱۰۰	۰/۴۹	۵۸/۲۶	۴۱/۲۳	۹/۸۲	۳۱/۴۰	کرمانشاه
۱۰۰	۰/۶۴	۵۸/۲۹	۴۱/۰۵	۳/۲۴	۳۷/۸۱	سمنان
۱۰۰	۰/۵۴	۵۹/۰۴	۴۰/۴۱	۴/۹۲	۳۵/۴۶	همدان
۱۰۰	۱/۰۳	۵۸/۶۷	۴۰/۲۸	۱۰/۷۵	۲۹/۵۳	کرمان
۱۰۰	۱/۱۹	۵۹/۳۷	۳۹/۵۳	۱۱/۴۸	۲۸/۰۴	ایلام
۱۰۰	۰/۸۲	۵۹/۷۷	۳۹/۴۰	۳/۰۱	۳۶/۳۸	تهران
۱۰۰	۰/۷۶	۵۹/۸۸	۳۹/۳۴	۷/۹۲	۳۱/۴۲	چهارمحال و بختیاری
۱۰۰	۰/۹۱	۵۹/۸۲	۳۹/۲۵	۴/۰۰	۳۵/۲۵	مرکزی
۱۰۰	۰/۵۹	۶۰/۸۴	۳۸/۵۶	۲/۱۴	۳۶/۴۱	قم
۱۰۰	۱/۴۳	۶۰/۶۲	۳۷/۹۴	۴/۵۶	۳۳/۳۷	فارس
۱۰۰	۰/۸۰	۶۱/۹۰	۳۷/۲۸	۳/۶۵	۳۳/۶۳	قزوین
۱۰۰	۲/۵۲	۶۳/۱۵	۳۴/۳۱	۱۴/۴۳	۱۹/۸۷	سیستان و بلوچستان
۱۰۰	۰/۹۵	۶۴/۹۵	۳۴/۰۸	۵/۱۰	۲۸/۹۸	هرمزگان
۱۰۰	۱/۱۳	۶۴/۸۳	۳۴/۰۳	۷/۲۱	۲۶/۸۱	خوزستان
۱۰۰	۱/۱۹	۶۴/۸۴	۳۳/۹۵	۸/۰۸	۲۵/۸۶	کهگیلویه و بویراحمد

مأخذ: مرکز آمار ایران، سرشماری نفوس و مسکن ۱۳۸۵، محاسبات پژوهش.

با توجه به آمار جدول بالا، بالاترین درصد جمعیت فعال اقتصادی روستایی در سال ۱۳۸۵ مربوط به استان یزد با ۵۲/۲۲ درصد است. همچنین ۴۹/۵۰ درصد جمعیت فعال اقتصادی روستایی استان یزد در سال ۱۳۸۵ شاغل و ۲/۷۲ درصد بیکار هستند. مناطق روستایی استان کهگیلویه و بویراحمد در سال ۱۳۸۵ با ۳۳/۹۵ درصد جمعیت فعال اقتصادی، پایین‌ترین درصد جمعیت فعال اقتصادی را دارد. جمعیت فعال مناطق روستایی این استان، دارای ۲۵/۸۶ درصد شاغل و ۸/۰۸ درصد بیکار است. استان یزد با ۴۹/۵ درصد شاغل روستایی، بالاترین درصد شاغل را در میان جمعیت فعال دیگر استان‌ها دارد. همچنین استان سیستان و بلوچستان در سال ۱۳۸۵ با ۳۴/۳۱ درصد جمعیت فعال اقتصادی روستایی، کم‌ترین درصد شاغل فعال روستایی ۱۹/۸۷ درصد را دارا است. استان کرمان در سال ۱۳۸۵ از ۴۰/۲۸ درصد جمعیت فعال روستایی، ۱۰/۷۵ درصد فعال بیکار روستایی دارد که در میان استان‌های دیگر بیش‌ترین مقدار را دارد. همچنین استان قم از ۳۸/۵۶ درصد جمعیت فعال روستایی، ۲/۱۴ درصد بیکار دارد. این استان در سال ۱۳۸۵ دارای کم‌ترین درصد فعال بیکار مناطق روستایی نسبت به دیگر استان‌ها است.



۴. رابطه میان بیکاری، فقر و توزیع درآمد در مناطق روستایی

تنظیم و تدوین مجدد شاخص‌های توسعه که تفاوت‌های اجتماعی میان گروه‌های درآمدی را در نظر می‌گیرد، می‌تواند شناخت نسبت رابطه بین رشد اقتصادی و توزیع درآمد را زیاده‌تر کند. استفاده از این شاخص‌ها به جای نگرانی درباره تضاد غیر واقعی بین رشد و توزیع درآمد در مناطق روستایی، اهمیت تمرکز بر بهبود مستقیم سطح زندگی پایین‌ترین گروه درآمدی را در ذهن ایجاد می‌کند. از این رو، اینکه عوامل تولید برای کسب درآمد چگونه بین گروه‌های مختلف جمعیت توزیع شده است بسیار مهم است. در تحلیل عوامل تعیین‌کننده واقعی توزیع نابرابر درآمد، می‌توان توزیع نابرابر ثروت‌های تولیدی مانند زمین و سرمایه بین گروه‌های مختلف جمعیت کشور به‌ویژه در نقاط روستایی را مشاهده کرد که عمدتاً اختلاف وسیع درآمد ثروتمندان و فقرا را موجب می‌شود. تمرکز سرمایه مادی و مالی و همچنین زمین در دست افراد معدودی است که از مسائل اقتصادی و سیاسی به‌خوبی آگاه هستند. از این رو، این افراد می‌توانند سهم بیش‌تری از تولید ملی را تحت کنترل خود قرار دهند. این امر ثروتمند شدن ثروتمندها و فقیرتر شدن فقیرها را روز به روز بیش‌تر می‌کند. بنابراین هرگونه تلاش برای بهبود قابل توجه سطح زندگی فقرا نه تنها باید متوجه افزایش بازدهی اقتصادی عوامل تولید محدود کشور باشد، بلکه باید الگوی موجود تراکم سرمایه مادی و انسانی را در جهت منافع گروه‌های کم‌درآمد شدیداً تغییر دهد. چنین توزیع مجددی می‌تواند در یک اقتصاد در حال رشد به بهترین وجه ممکن انجام گیرد. در این راستا می‌توان مجموعه‌ای از روش‌های تعدیل توزیع درآمد را به شرح زیر بیان کرد:^۱

۴-۱. کنترل قیمت‌ها

این روش می‌تواند به برخی از گروه‌های روستایی صدمه بزند و برخی دیگر را کمک کند. سیاست کاهش قیمت مواد غذایی به نفع کسانی است که این اقلام را از بازار تهیه می‌کنند، ولی به تولیدکنندگان فقیر این کالا صدمه می‌زند. علاوه بر این، از آنجا که درصد زیادی از فعالیت‌های اقتصادی روستاییان خارج از بازار انجام می‌شود، تأثیر لازم را از سیاست کنترل قیمت نخواهند گرفت.^۲ البته سیاست‌های دولت به‌منظور تعیین قیمت تضمینی می‌تواند جهت حمایت از تولیدکننده روستایی و مصرف‌کننده روستایی تا حدودی اثربخش باشد.

۱. پروین، سهیلا، روند فقر در برخی از مشاغل و عوامل مؤثر در تخفیف آن، معاونت امور اقتصادی وزارت امور اقتصادی و دارایی، چاپ اول، تهران، ۱۳۷۳، صص ۲۶-۳۱.

۲. همان، ص ۲۷.



۲-۴. اشتغال‌زایی

اگر سیاست‌های اشتغال‌زایی برای کوتاه‌مدت باشد، تورم را تقویت می‌کند و بر فرایند عرضه کالا تقریباً بی‌اثر است. اگر هر سیاست از سه جنبه تأثیر بر شرایط عرضه، تأثیر بر شرایط تحویل و تأثیر بر شرایط تقاضا بررسی شود، در بسیاری موارد ملاحظه شده که عرضه کالا دچار کمبود نیست؛ بلکه شرایط تحویل و عدم دسترسی، توزیع را مختل می‌کند. بنابراین، چنین سیاست‌هایی حتی اگر در قشر کم درآمد تأثیر داشته باشد، با اثر تورم خنثی خواهد شد.^۱ اگر طرح‌های اشتغال‌زایی در جهت امور عمرانی مانند شبکه حمل و نقل باشد، ممکن است بر تحویل عرضه کالا تأثیر بگذارد و بازاریابی و رساندن تولیدات به بازار را تسهیل کند.

۳-۴. سیاست افزایش حداقل دستمزد

سیاست افزایش حداقل دستمزد در مورد کسانی که در یک بازار کار سازمان‌یافته مشغولند، قابل اعمال است. در مناطق روستایی ایران درحالی‌که بازار کار غالباً سازمان‌نیافته است، یکی از عمده‌ترین گروه‌های فقیر، بیکاران و مشاغل غیر طبقه‌بندی شده‌اند. این افراد در بازار غیرسازمان یافته مشغولند. بنابراین، از آثار این سیاست‌ها منتفع نخواهند شد. سیاست تعیین کف دستمزد مانند سیاست کنترل قیمت کالاها هم به نفع طبقه فقیر روستایی و هم به ضرر آنهاست. همچنین به نفع کسانی است که دستمزدشان کم‌تر از این سطح است. این سیاست از سوی دیگر ضد اشتغال‌زایی خواهد بود. به عبارتی سیاست حداقل دستمزد در مناطق روستایی را می‌توان سیاستی ضد تولیدی به حساب آورد.^۲

۴-۴. کنترل از طریق مالیات‌ها و یارانه

این روش می‌تواند بین درآمد تولیدکنندگان و مصرف‌کنندگان شکاف ایجاد کند. گرچه این سیاست‌ها به‌کندی انجام‌پذیر است، ولی می‌تواند متوجه خانواده‌های فقیر و کم‌درآمد قرار بگیرد. روش‌های مختلفی بدین منظور وجود دارد. از جمله پرداخت مستقیم به عرضه‌کنندگان، که در این حالت ریسک مستقیم را از دولت دور و به مصرف‌کننده منتقل می‌کند. یا یارانه‌های کالایی که در این سیاست‌ها بر شرایط تحویل تأثیر می‌گذارد. در واقع یارانه‌های مستقیم همان تعیین سطح حداقل دستمزد است و همان آثار شرح داده شده را در پی خواهد داشت. این روش نسبت به روش کنترل

۱. بزرگان، تأثیر ایجاد اشتغال بر کاهش فقر در ایران، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، استاد راهنما: دکتر یوسفی، دانشگاه تهران، ۱۳۷۸، ص ۴۰.
۲. گایپا، آر، طراحی راهبرد کاهش فقر در نواحی روستایی، ترجمه عبدالرسول مرتضوی، نشر وزارت جهاد سازندگی، مرکز تحقیقات و بررسی مسائل روستایی، چاپ اول، تهران، ۱۳۷۸، ص ۷۹.



قیمت‌ها مزایای بیش‌تری دارد. از جمله اینکه می‌تواند گروه خاصی را در نظر بگیرد. درحالی‌که آثار کنترل قیمت‌ها می‌تواند کاملاً در جهت مخالف اقدامات توزیع مجدد عمل کند.^۱

۴-۵. توزیع کالاهای اساسی توسط دولت

این روش اغلب عامل یارانه‌ای را در خود دارد و ریسک آن را برعهده دولت قرار می‌دهد. این حالت ممکن است بر شرایط تحویل تأثیرگذار باشد. طرح‌های یارانه‌ای بعضاً نمی‌تواند به‌مثابه جایگزینی اقداماتی که برای تغییر توزیع درآمد اولیه طراحی شده‌اند عمل کنند.^۲ اگر سیستم توزیع دولتی به‌شکل توزیع همه‌جانبه مواد غذایی با یارانه‌های سنگین به‌عنوان ابزار توزیع مجدد درآمد به‌کار گرفته شود، شروط مربوط به عرضه و قابلیت تداوم یک استراتژی مجدد موفق نقض خواهد شد.

۴-۶. افزایش بهره‌وری طبقات کم‌درآمد

این روش صاحبان دارایی‌های مولد را منتفع خواهد کرد. آثار این سیاست بیش‌تر از روش کنترل قیمت‌ها یا انتقال درآمد است. این سیستم اگر با تغییرات تکنولوژی نیز همراه شود، منافع ایجاد می‌کند. افزایش بهره‌وری گروه کم‌درآمد با افزایش درآمد گروه فقیر، شرط مربوط به کفایت تقاضا را برآورده می‌کند و باعث افزایش در عرضه نیز می‌شود. نقطه ضعف این روش در این است که می‌تواند با افزایش بهره‌وری، تقاضا برای نیروی کار کاهش و به‌دنبال آن اشتغال نیز کاهش یابد.^۳

۴-۷. انتقال قدرت خرید

معمولاً کمک‌های مالی به گروه کم‌درآمد توفیق چندانی نداشته است (طرح شهید رجایی) و سیستم مالیات نیز قادر نیست تا چنین توزیعی را انجام دهد. انتقال مالیات‌ها می‌تواند در شرایط عدم حمایت‌های سیاسی، ابزار بهتری باشد. ولی اگر این اقدام شدید باشد، می‌تواند آثار ثانویه‌ای داشته باشد که بیش‌تر در جهت خلاف حرکت اولیه به‌سمت مساوات عمل کند. توزیع مجدد درآمد می‌تواند ترکیب تقاضا را به نفع گروه‌های کم درآمد تغییر دهد. اگر این کالاها با ابزار تحت تملک همین گروه تولید شود، در این صورت با افزایش تقاضا، آثار مطلوب ثانویه‌ای برای گروه کم‌درآمد به‌وجود می‌آورد. اما اگر این ابزار جامعه در تملک گروه پردرآمد باشد، با افزایش تقاضای جامعه این گروه منتفع خواهد شد. بنابراین آثار

۱. گایها، آر، طراحی راهبرد کاهش فقر درنواحی روستایی، ترجمه عبدالرسول مرتضوی، نشر وزارت جهاد سازندگی، مرکز تحقیقات و بررسی مسائل روستایی، چاپ اول، تهران، ۱۳۷۸، ص ۷۹.

۲. همان، ص، ۸۰.

۳. بزرگان، پیشین، ص ۵۴.



مطلوب ثانویه متوجه طبقه پردرآمد خواهد بود و شکاف طبقاتی عمیق‌تر می‌شود. نتایج این سیاست بستگی به تأثیر آن بر توزیع دارایی‌ها و ابزار تولید در جامعه دارد.^۱

۴-۸. تعیین مالکیت ابزار تولید

تأمین هدف افزایش سهم گروه کم‌درآمد روستایی در گرو تعیین وضعیت مالکیت ابزار تولید روستاییان است. نظر به اینکه زمین یکی از عوامل اولیه تعیین ابزار تولید و فرایند ایجاد درآمد در این مناطق است، بدون تعیین مالکیت زمین نمی‌توان جریان ایجاد درآمد در این مناطق را تغییر داد.^۲ این سیاست به نوع ابزاری که منتقل می‌شود و مالکان جدید آن بستگی دارد. به عبارت دیگر، از آنجا که در بخش روستایی زمین عمده‌ترین ابزار تولید است، بدون تعیین مالکیت آن، افزایش در درآمد فقیران روستایی امکان‌پذیر نیست.

۵. راهکارهای ایجاد اشتغال در مناطق روستایی

دولت‌ها همواره سعی می‌کنند تا با ایجاد فرصت‌های شغلی در مناطق روستایی، موجبات بهره‌وری بالا و درآمد مردمی مناسب را در این مناطق فراهم کنند. به عبارتی، با نوسازی تدریجی در این مناطق، توسعه و استفاده از تکنولوژی‌های مولدتر و به روز شده و نیز کاهش نابرابری‌ها در تلاش هستند تا رفاه طبقه روستایی را از طریق ایجاد اشتغال به سطح بالاتری برسانند.^۳ از طرفی می‌توان با در نظر گرفتن راهکارهای شرح داده شده در زیر، کاهش بیکاری و ایجاد فرصت‌های شغلی بیشتر در مناطق روستایی را امیدوار بود.

۵-۱. ایجاد تعادل اقتصادی مناسب بین شهر و روستا

به نظر می‌رسد که ایجاد تعادل مناسب بین فرصت‌های اقتصادی شهر و روستا از مسئله اصلاح وضع بیکاری شهری و روستایی کشورهای در حال توسعه غیر قابل تفکیک باشد. هدف اصلی این فعالیت‌ها باید توسعه یکپارچه بخش روستایی و گسترش صنایع کوچک در سراسر مناطق روستایی و تجدید نظر در جهت‌گیری فعالیت‌های اقتصادی و سرمایه‌گذاری‌های اجتماعی به سوی مناطق روستایی باشد.

۱. بزرگان، تأثیر ایجاد اشتغال بر کاهش فقر در ایران، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، استاد راهنما: دکتر یوسفی، دانشگاه تهران، ص ۵۴.

2. Cline, "Policy Instrument for Rural Income Distribution in an Overviwe of Income Distribution in less Development Countries, "policy alternatives and Design. By Frank and R Webb (Brooking Institution 1977).

3. Employment, Incom Distribution and Development Strategy: Problem of the Developing Countries, edited by: Alec Cairncross and Mohindar Puri. New York: Holms and Meier, 1976.



۲-۵. گسترش صنایع کوچک کاربر در مناطق روستایی

ترکیب محصول^۱ اثرات قابل ملاحظه‌ای بر میزان اشتغال دارد. برخی محصولات در مقایسه با محصولات دیگر در هر واحد محصول و سرمایه به‌کار بیش‌تری نیاز دارند. گسترش این نوع محصولات در صنایع کوچک و کاربر می‌تواند به دو طریق حاصل شود. اول اینکه به‌طور مستقیم از طریق سرمایه‌گذاری‌ها و انگیزه‌های دولتی و دوم به‌طور مستقیم از طریق توزیع مجدد درآمد به نفع طبقات فقیر روستانشین که ساخت تقاضای مصرفی آن‌ها نسبت به ساخت تقاضای مصرفی طبقات غنی بیش‌تر کاربر است.

۳-۵. حذف انحرافات قیمت عوامل

تصحیح انحرافات قیمت عوامل از طریق از بین بردن کمک‌های مالی دولت به سرمایه و محدود کردن رشد مزد، بدون شک فرصت‌های اشتغال را افزایش می‌دهد و موجب می‌شود که استفاده بهتری از منابع سرمایه‌ای محدود به‌عمل آید.

۴-۵. انتخاب تکنولوژی‌های مناسب کاربر تولید

یکی از عوامل اساسی بازدارنده در موفقیت هر برنامه بلندمدت، ایجاد اشتغال در صنایع روستایی، وابستگی تکنولوژیکی را به واردات ماشین‌آلات و تجهیزات از کشورهای توسعه یافته است. با تلاش داخلی و بین‌المللی و توسعه تحقیقات بومی و انطباق ظرفیت‌های کشورهای می‌توان این وابستگی را کاهش داد. چنین تلاش‌هایی می‌تواند متوجه توسعه صنایع کوچک و کاربر روستایی شود. همچنین می‌توان تلاش‌های خود را برای روش‌های کم‌خرج و کاربر در زمینه تأمین نیازهای زیربنایی روستایی مانند جاده، نظام آبیاری و زهکشی و خدمات اساسی بهداشتی، فرهنگی و آموزشی متمرکز کنند. کمک‌های علمی و تکنولوژیکی کشورهای توسعه یافته نیز در این زمینه می‌تواند مثمر ثمر باشد.

۵-۵. تعدیل ارتباط مستقیم بین آموزش و اشتغال

آموزش رسمی روندی است که باید تمامی متقاضیان شغل از آن عبور کنند. وقتی تعداد مشاغل با سرعتی کمتر از تعداد افراد تحصیل‌کرده افزایش می‌یابد، لازم است که روند آموزش را تعمیق بخشید تا میزان خروجی آن کمتر شود. یکی از راه‌های دولت (که خود یک کارفرمای بزرگ است) برای تعدیل تقاضای



بیش از حد آموزش این است که شیوه استخدام و تعیین مزد برپایه دیگری قرار بگیرد. همچنین با ایجاد امکانات اقتصادی پرجاذبه در مناطق روستایی، تجدید جهت نظام آموزشی به سمت نیازهای توسعه روستایی نیز آسان‌تر خواهد بود.

۵-۶. کاهش نرخ رشد جمعیت

روستاییان معمولاً تمایل دارند تا فرزندان بیش‌تری داشته باشند. شاید از این‌رو که کودکانشان بیش‌تر در معرض مرگ و میر قرار می‌گیرند و برای پرورش کودکان هزینه چندان نمی‌کنند. ولی در مقابل این هزینه کم، امید دارند از حاصل کار کودکان خود به‌عنوان یک عامل کمکی برای گذراندن زندگی بهره بگیرند. این به‌وضوح به‌معنای اعمال نگرش ابزاری و مادی به فرایند زادوولد در بین روستاییان است.^۱ بدون شک کاهش نرخ رشد بیش از حد جمعیت در بهبود نهایی مسئله اشتغال در مناطق روستایی اهمیت بسیاری دارد. زیرا کاهش رشد جمعیت، تعداد و رشد متقاضیان جدید در آینده را کاهش خواهد داد. لازم به ذکر است که هرکدام از سیاست‌های بالا به‌طور غیر مستقیم از طریق افزایش سطح زندگی طبقات فقیر در مناطق روستایی می‌تواند به کاهش سطح باروری کمک کند.

نتیجه‌گیری

بهره‌برداری بهینه از منابع انسانی می‌تواند از اهداف راهبردی توسعه پایدار تلقی شود و افزایش سرعت توسعه کشور را به‌همراه داشته باشد. از ویژگی‌های کشورهای در حال توسعه رشد جمعیت همراه با افزایش نیروی کار است. بنابراین باید تلاش کرد تا نرخ افزایش اشتغال با نرخ رشد نیروی کار یکسان شود. از طرفی با گسترش شهرها، صنعتی شدن و ارائه خدمات بیش‌تر در شهر می‌توان مهاجرت نیروی کار از مناطق روستایی به شهری را مشاهده کرد. اینکه دولت تا چه حد می‌تواند سیاست‌های توسعه را در روند توسعه موزون بین شهر و روستا پیش بگیرد تا منجر به مهاجرت روستاییان به شهرها نشود، از موارد مهم در سیاست‌های دولت است. بیکاری و کم‌کاری قابل توجه در مناطق روستایی، یکی از علائم بارز در مناطق روستایی است. امروزه در طیف وسیعی از کشورهای در حال توسعه از جمله ایران، درصد بالایی از نیروی کار روستایی، کم‌کار هستند. افراد در مناطق روستایی، منابع مکمل و امکانات کافی در اختیار ندارند تا بتوانند

۱. علیزاده، محمد، تله جمعیت: فقر و بیکاری، فقر در ایران (مجموعه مقالات)، دانشگاه علوم بهزیستی و توانبخشی، چاپ اول، تهران، ۱۳۷۹، ص ۲۱۳.



درآمد بسیار پایین خود را به سطوح درآمد کارگران صنعتی، خدماتی و تجاری شهری افزایش دهند. از این رو موضوع اشتغال مولد و مؤثر در مناطق روستایی در جایگاه مهمی قرار گرفته است. زیرا، بر بهبود مستقیم سطح زندگی پایین‌ترین گروه درآمدی در این مناطق بسیار مؤثر است. در واقع، توسعه واقعی کشور مستلزم حمله مستقیم به منشأ فقر در کشور است. در این ارتباط، اینکه عوامل تولید برای کسب درآمد چگونه بین گروه‌های مختلف جمعیت توزیع شده مهم است. در تحلیل عوامل تعیین‌کننده واقعی توزیع نابرابر درآمد، می‌توان توزیع نابرابر ثروت‌های تولیدی مانند زمین و سرمایه بین گروه‌های مختلف جمعیت کشور به‌ویژه در نقاط روستایی را مشاهده کرد که عمدتاً اختلاف وسیع درآمد ثروتمندان و فقرا را موجب می‌شود. با توجه به موارد فوق می‌توان خلاصه‌ای از سیاست‌های تکمیلی و حمایتی دولت را برای کاهش بیکاری و افزایش اشتغال در مناطق روستایی بیان کرد:

الف) ایجاد تعادل مناسب بین فرصت‌های اقتصادی شهر و روستا، توسعه یکپارچه بخش روستایی، گسترش صنایع کوچک در سراسر مناطق روستایی و تجدید نظر در جهت‌گیری فعالیت‌های اقتصادی و سرمایه‌گذاری‌های اجتماعی به‌سوی مناطق روستایی.

ب) گسترش محصولات ترکیبی در صنایع کوچک و کاربر از طریق سرمایه‌گذاری‌ها و انگیزه‌های دولتی و همچنین از طریق توزیع مجدد درآمد به نفع طبقات فقیر روستائین.

ج) تصحیح انحرافات قیمت عوامل از طریق از بین بردن کمک‌های مالی دولت به سرمایه و محدود کردن رشد مزد. (مطمئناً تصحیح سیاست‌های قیمت‌گذاری به تنهایی نمی‌تواند وضعیت کنونی اشتغال را تغییر دهد).

د) با انتخاب تکنولوژی‌های مناسب کاربر تولید می‌توان توسعه صنایع کوچک و کاربر روستایی را مشاهده کرد. همچنین دولت می‌تواند تلاش‌های خود را برای روش‌های کم‌خرج و کاربر در زمینه تأمین نیازهای زیربنایی روستایی مانند جاده، نظام آبیاری و زهکشی و خدمات اساسی بهداشتی، فرهنگی و آموزشی متمرکز کند.

ه) تعدیل ارتباط مستقیم بین آموزش و اشتغال، تجدید جهت نظام آموزشی روستا به سمت نیازهای توسعه روستایی و ایجاد امکانات اقتصادی پرجاذبه در مناطق روستایی.

و) کاهش نرخ رشد جمعیت با ایجاد مؤلفه موزون و ارتقای رفاه عمومی در بهبود نهایی مسئله اشتغال در مناطق روستایی اهمیت بسزایی دارد.



منابع و مأخذ

۱. بابوکانی، علی، ریشه‌های اقتصادی و اجتماعی فقر در مناطق روستایی، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، استاد راهنما: دکتر ازکیا، دانشگاه علامه، ۱۳۷۴.
۲. بزرگان، تأثیر ایجاد اشتغال بر کاهش فقر در ایران، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، استاد راهنما: دکتر یوسفی، دانشگاه تهران، ۱۳۷۸.
۳. پروین، سهیلا، روند فقر در برخی از مشاغل و عوامل مؤثر در تخفیف آن، معاونت امور اقتصادی، وزارت امور اقتصادی و دارایی، چاپ اول، ۱۳۷۳، تهران.
۴. تودارو، مایکل، ترجمه دکتر غلامعلی فرجادی، توسعه اقتصادی در جهان سوم، جلد اول، نشر وزارت برنامه و بودجه، چاپ اول، ۱۳۶۴.
۵. خالدی، کوهسار، بررسی اقتصاد فقر روستایی و عوامل مؤثر بر آن، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، استاد راهنما: دکتر چیززی، دانشگاه تهران، ۱۳۷۹.
۶. رکن‌الدین افتخاری، عبدالرضا، چشم‌انداز توسعه روستایی در ایران، مبانی اندیشه‌ای، الزامات و پیش‌نیازها، فصلنامه اقتصاد و جامعه، شماره ۱۰، زمستان ۱۳۸۵.
۷. سازمان برنامه و بودجه، سال‌های مختلف.
۸. علیزاده، محمد، تله جمعیت: فقر و بیکاری، فقر در ایران (مجموعه مقالات)، دانشگاه علوم بهزیستی و توانبخشی، چاپ اول، ۱۳۷۹، تهران.
۹. کرمی، علیرضا، بررسی تأثیر سرمایه‌گذاری دولت در تولید کشاورزی و نقش آن در کاهش فقر روستایی در ایران، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، استاد راهنما: دکتر صامتی، دانشگاه اصفهان، ۱۳۸۲.
۱۰. گایها، آر، طراحی راهبرد کاهش فقر در نواحی روستایی، ترجمه عبدالرسول مرتضوی، نشر وزارت جهاد سازندگی، مرکز تحقیقات و بررسی مسائل روستایی، چاپ اول، تهران، ۱۳۷۸.
۱۱. مرکز آمار ایران، مدیریت آمارهای اجتماعی، اقتصادی خانوار.
۱۲. مرکز آمار ایران، آمار مربوط به نفوس و مسکن سال ۱۳۷۵.
۱۳. مرکز آمار ایران، سالنامه آماری، سال‌های مختلف.
14. Cline, "Policy Instrument for Rural Income Distribution in an Overviwe of Income Distribution in less Develop mend Countries, "policy alternatives and Design. By Frank and R Webb (Brooking Institution 1977).
15. Employment, Incom Distribution and Development Strategy: Problem of the Developing Countries, edited by: Alec Cairncross and Mohindar Puri. New York: Holms and Meier, 1976.
16. Roseland, M. (2000), "Sustaionable Community Development: Intergrating Environmental, Economic & Social Objectives". Progressin Planning, 541 (2000).
17. Shiefered Andrew (1998), "Sustaionable Rural Development", Macmilillan Press Ltd.



شماره مسلسل: ۸۷۴۶

شناسنامه گزارش

عنوان گزارش: بررسی راهکارهای توسعه اشتغال و شیوه‌های کاهش بیکاری در مناطق روستایی کشور

Report Title: Evaluation of Promotion of employment and reducing unemployment in Rural areas in Iran.

نام دفتر: مطالعات اقتصادی (گروه اقتصاد کلان)

تهیه و تدوین: محمدحسین حسنی صدرآبادی، علی کاشمیری

همکار: افشین حیدرپور

ناظر علمی: بهروز تصدیقی

متقاضی: معاونت پژوهشی

ویراستار: ———

واژه‌های کلیدی و معادل انگلیسی آن‌ها:

۱. اشتغال (Employment)

۲. بیکاری (Unemployment)

۳. مناطق روستایی (Rural Areas)

منابع و مأخذ تهیه گزارش:

در انتهای گزارش درج شده است.

تاریخ انتشار: ۱۳۸۶/۱۰/۲۲